

## معماری زمینه گرا و تاثیر آن در توسعه پایدار فرهنگی

ارنا کوره پز

<sup>۱</sup>مدرس مدعو گروه معماری، دانشگاه پیام نور تبریز، r.kourehpaz.83@gmail.com

### چکیده

معماری بی شک مقوله ای جدایی ناپذیر از فرهنگ و بازنمایی از هویت و ارزش های بومی و ملی مردم یک جامعه می باشد. عدم توجه به زمینه های اجتماعی و فرهنگی و بروز کالدهایی متناقض با خاستگاه ها و نیازهای بستر می تواند منجر به نابودی هویت فرهنگی یک جامعه گردیده، حیات آن را در ابعاد مختلف محیطی، کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد تهدید قرار دهد. از این رو جهت نیل به توسعه پایدار شهری که در دهه های اخیر با رشد شهرنشینی و معضلات بوجود آمده به واسطه ی آن، به منظور تداوم و پایداری حیات شهری مطرح گردیده، توجه به زمینه گرایی و دستیابی به توسعه ی فرهنگی از ضروریاتی به شمار می آید که باید در معماری نیز مدنظر قرار گیرد. در این راستا توجه به معماری زمینه گرا و بررسی چارچوب ها و راه کارهای موجود در این باب می تواند به عنوان گامی موثر در راستای بازگردانی هویت ملی و تقویت ارزش های فرهنگی جامعه و پایداری آن تلقی گردد. از این رو در این تحقیق تلاش بر آن بوده تا با مطالعات کتابخانه ای و به روش توصیفی- تحلیلی، نظریات موجود در باب زمینه گرایی و نقش آن در بروز پایداری فرهنگی به عنوان رکن اساسی دربروز توسعه و پایداری شهری مورد تحلیل قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، توسعه ی پایدار، پایداری فرهنگی، معماری زمینه گرا

### ۱. مقدمه

رشد سریع شهرنشینی و گرایش به تکنولوژی منجر به بروز مشکلاتی در ابعاد مختلف زندگی شهری گشته از این رو توجه به توسعه پایدار لازمه ادامه حیات یک جامعه ی انسانی و حفظ آن برای نسل های آتی می باشد که بتواند با تکیه بر منابع زیستی و فرهنگی و اجتماعی در ابعاد مختلف توسعه یافته و شرایط مناسب زندگی برای ساکنین را مهیا نمایند. در این راستا هر جامعه ای برای نیل به پایداری و حفظ حیات خود در ابعاد مختلف اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی که حاصل پایداری است، نیازمند توجه به زمینه و بستر خویش می باشد. آنچه که ما در دهه های اخیر با گرایش به تکنولوژی و استانداردهای جهانی با آن مواجه گردیده ایم، کاهش تاثیر زمینه و بوم و توجه به هویت های ملی بوده است، که تاثیرات آن را می توان در ابعاد مختلف زندگی مشاهده نمود. معماری امروز ما نیز در زمره ی مواردی بوده که متاثر از این تغییرات دچار نابسامانی و سردرگمی هویتی گردیده است. ظهور بناها و ساختارهایی نامتناسب با بافت و بستر و گاه در تقابل با الگوهای بومی و منطقه ای منجر به کاهش احساس تعلق مکانی و بروز ناهنجاری هایی در جنبه های مختلف کالبدی و عملکردی می گردد. از این رو رویکرد زمینه گرایی در تلاش برای بازگردانی هویت از دست رفته و توجه به پتانسیل ها و نیازهای بستر طرح است تا در مسیر حرکت به سوی توسعه بتوان هویت های فرهنگی را که لازمه آن می باشد نیز حفظ نمود و جامعه شهری را در عین رشد به سمت پایداری فرهنگی سوق داد.